

تجمع متقاضیان مسکن مهر به علت مشکلات فراوان تحویل واحدهای مسکونی

پوزش وزیر جدید به جای آخوندی

صفحه ۳



چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۷ ■ ربیع الاول ۱۴۴۰ ■ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۸ ■ سال یازدهم ■ شماره ۲۵۸۲ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۶۰۰تومان

■ ۱۱۷۹سال و ۲۵۲روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.11 ■ No.2582 ■ Wed.Nov.14, 2018 ■ ISSN:2008-2886



گزارش نیویورک تایمز از فایل صوتی لحظه قتل خاشقجی

به رئیس بگو مأموریت انجام شد

صفحه ۱۵

تیتربهای امروز

پیروز حناچی با ۱۱ رأی در مقابل ۱۰ رأی عباس آخوندی، توسط شورای شهر پنجم به عنوان سومین سکاندار شهر داری پایتخت در کمتر از ۱۴ ماه انتخاب شد

رأی شکننده به سومین شهردار



صفحه ۴

موشک‌های فلسطینیان پاسخی قوی به روند عادی سازی روابط اعراب با صهیونیست‌ها بود

شلیک ۴۷۰ موشک به اراضی اشغالی

صفحه ۱۵

مروری بر «موسیقی فیلم»‌های ماندگار در سینمای ایران و جهان

روزی روزگاری موسیقی



صفحات ۱۱ و ۶

دیدگاه

مملکت ارث پدري تان نيست!

■ حسن رضایی ■

اگر حافظ‌هام غلط نکند، به نظرم دقیقاً از همان روز اجرای برجام بود که غلظت و شدت فحش‌های حسن روحانی به منتقدان برجام تدریجا فروکش کرد. اگر کسی طی چند سال اخیر در غار اصحاب کهف بوده و حالا بیرون بیاید، خواهد دید که سسکه روز دولت، «فتخار بسه دور زدن تحریم‌ها»، «بی‌اثر بودن تحریم‌ها»، «فرصت بودن تحریم‌ها»، «عممت بودن تحریم‌ها» و خلاصه!از اینجور چیزهاست و یحتمل به همان بهت و حیرتی دچار خواهد شد که آن بندگان بر گزیده خدا دچار شده بودند! نه اینکه روحانی معتقد شده باشد منتقدانی که یک‌یک حرف‌های‌شان درست از آب در آمد، بیسواد، بی‌شناسنامه، عصرحجری، بی‌دین، حسود، افراطی، جیب‌پر، دیندیده، بیبکار، مستضعف فکری، متوهم، دارای خطای دید، بزدل، تخریبگر، دین‌نشناس، عقب‌مانده، لرزان، هوچی‌باز، کودک، فحاش! دروغگو! کاسب تحریم، بی‌عقل، افراطی و تندرو و...نبودند،ند، ابدا! بلکه جهت باد را باید در نظر داشت!

آدم دلشش به این مظلومیت دولت البته می‌سوزد ولی چه می‌توان کرد که جامعه دیگر توان پذیرش آن فحش‌های سابق را ندارد، لذا مناسب دیده‌اند به جای فحاشی، همان‌طور که شب خوابیدیم و صبح کدخدا موجودی مزاحم شده بود، تحریم‌ها را هم یکپو نعمت معرفی کنند! تا به دور زدن همان چیزهایی افتخار کنند که تا دیروز نه‌تنها نمی‌شد دورشان زد که آب خوردن مردم هم لنگ برداشتن‌شان بود! آدم وقتی تمام این واقیات تلخ و شیرین را کنار هم قرار می‌دهد، ناخوداگاه فکر می‌کند تنها چیز اضافی در این مملکت، همین سانترپیوژها، قلب راکتور اراک و مابقی امتیازات پرشماری بود که دولت داد و باد هم به گردشان نرسید و رفت که رفت!

البته خب خدا می‌داند اگر این زبانه‌های بوگندو را نمی‌دادیم بروند، الان مردم چقدر به همان ۴۵ هزار تومان یارانه محتاج بودند و دولت چقدر دستش را در جیب مردم کرده بود! بگذریم... بغض فروخته در کمتر فحش دادن به منتقدان اما از همان روز ارامر بهرام مشخص بود که از یک جای دیگر بیرون خواهد زد.

ادامه در صفحه ۱۲

نگاه

«هر که با ماست دوست ما و هر که با ما نیست، دشمن ماست»، این خط مشی کلی جریانی است که سال‌ها منتقدان خود را به تمامیت‌خواهی متهم کرده‌اند اما هر روز جلوه تازه‌ای از تمامیت‌خواهی دولت‌شان نمایان می‌شود. از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم در سال ۹۲ و آغاز فرآیند مذاکرات هسته‌ای که در زمان کوتاهی در آذر همان سال منتج به توافق ُنو شد، تا بعدها که توافق لوزان و در نهایت برجام انجام شد، منتقدان دلسوز توافقتنامه

که به دقت روند مذاکرات و متون توافق را رصد می‌کردند و بند به بند و ضمیمه به ضمیمه، تعهدات داده و ستانده دولت را تحلیل می‌کردند، مستند به بررسی‌های دقیق و مطالعات راهبردی به دولت هشدار می‌دادند اولاً برچیدن تاسیسات هسته‌ای آخرین گام از دشمنی آمریکا نخواهد بود و ایالات متحده تا انهدام همه مؤلفه‌های اقتدار ملی جمهوری اسلامی پیش خواهد آمد، ثانیاً متن توافق بیه گونهای تنظیم نشده که تحریم‌ها ولو تحریم‌های هسته‌ای برطرف شوند، نائلاً اجرای تعهدات گام به گام و متوازن نیست و ممکن است طرف دیگر توافق بعد از اجرای کامل تعهدات ایران از اجرای تعهدات خود پا پس بکشد

و رابعاًهیچ مکانیزم حقوقی قابل اتکایی نیست که طرف مقابل را به اجرای تعهدات خود وادارد، اما مدعیان دیپلماسی که خود را متخصص حقوق و روابط بین‌الملل می‌دانستند و داعیه فهم زبان دنیا را داشتند با نسبت دادن صفت «کاسبان تحریم» سعی در تخطئه منتقدان داشتند. البته گذر زمان اثبات کرد این منتقدان بودند که درست می‌گفتند؛ نه انتظارات آمریکا پایان یافت، نه تحریم‌ها رفع شد، نه آمریکا و حتی اروپا به تعهدات خود عمل کردند و نه حتی دستگاه دیپلماسی بابت بدعهدی آمریکا، مجرای در قالب توافقتنامه برجام برای شکایت یافت، تا آنجا که شکایت خود از عدم تعلیق تحریم‌ها را نه مبتنی بر مکانیسم‌های برجام، بلکه با استناد به توافقتنامه ۵۰ ساله «مودت» به اجرا گذاشت!

از سال ۹۴ و پس از امضای برجام نیز هرگاه منتقدان از اثبات بدعهدی آمریکا و دستاوردهای تقریباً هیچ برجام نوشتند و گفتند، متهم به «همراهی با نتانیاهو» شدند.

حالا پس از گذشت بیش از ۵ سال از راهبرد «تنش‌زدایی» و «بهانه‌زدایی»، دولت، منتقدان این رویکرد که داغ‌دیده برجام هستند بار دیگر به دولت هشدار می‌دهند پذیرش الزامات FATF در دوره تحریم‌ها، نه‌تنها تحریم‌ها را رفع نخواهد

ظریف، CFT و یک اتهام دیگر

■ امید رامز ■

کرد، بلکه زمینه افزایش کارایی و اثربخشی تحریم‌های آمریکا را نیز فراهم خواهد کرد و از این طریق امکان دور زدن تحریم‌هایی را که از ۱۳ آبان تشدید شده نیز از ایران خواهد گرفت. اینها البته علاوه بر خودتحریمی و فلج کردن کامل نهادهای اطلاعاتی-امنیتی و اقتصادی کشور است که لیست آنها اخیراً در وزارت خزانه‌داری آمریکا به‌روز شده و دولت محترم رسانه‌ها را از انتشار لیست آنها منع کرده است. اما پاسخ جناب ظریف به این انتقادات دلسوزانه و مستند به فکت‌های غیرقابل انکار چیست؟

ایشان اخیراً در کلامی توهین‌آمیز گفته است: «بالاخره پولشویی یک واقعیت در کشور ماست و خیلی‌ها از پولشویی منفعت می‌برند. من نمی‌خواهم این پولشویی را به جایی نسبت دهم اما جاهایی که هزاران میلیارد پولشویی می‌کنند حتماً آنقدر توان مالی دارند که ده‌ها و صدها میلیارد هزینه تبلیغات و فضاسازی کنند... با این وضعیت ما نمی‌توانیم با فضاسازی‌ها مقابله کنیم. کسانی که یک قلم معامله‌شان ممکن است ۳۰ هزار میلیارد باشد فضاسازی کرده‌اند... من هیچ دستگاهی را متهم نمی‌کنم. من افرادی که در تعهدات ایران از اجرای تعهدات خود پا پس بکشد

و رابعاًهیچ مکانیزم حقوقی قابل اتکایی نیست که طرف مقابل را به اجرای تعهدات خود وادارد، اما مدعیان دیپلماسی که خود را متخصص حقوق و روابط بین‌الملل می‌دانستند و داعیه فهم زبان دنیا را داشتند با نسبت دادن صفت «کاسبان تحریم» سعی در تخطئه منتقدان داشتند. البته گذر زمان اثبات کرد این منتقدان بودند که درست می‌گفتند؛ نه انتظارات آمریکا پایان یافت، نه تحریم‌ها رفع شد، نه آمریکا و حتی اروپا به تعهدات خود عمل کردند و نه حتی دستگاه دیپلماسی بابت بدعهدی آمریکا، مجرای در قالب توافقتنامه برجام برای شکایت یافت، تا آنجا که شکایت خود از عدم تعلیق تحریم‌ها را نه مبتنی بر مکانیسم‌های برجام، بلکه با استناد به توافقتنامه ۵۰ ساله «مودت» به اجرا گذاشت!

ادامه در صفحه ۱۲

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران



اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس

در مصاحبه با «وطن امروز» گفته‌اند با توجه به قطعی بودن ترجمه اشتباه وزارتِ خارجه برای CFT این لایحه با ترجمه جدید باید مجدداً در مجلس به رأی گذاشته شود

تقلب؟!!

صفحه ۵

انتقاد نمایندگان مجلس و کارشناسان از ادعای عجیب ظریف درباره پولشویی منتقدان CFT

ادعاهای آشپز برجام اعتبار ندارد

صفحه ۲

از نگاه بیگانگان

■ امیر استکی ■

به نظر نگارنده اگر بخوایم خیلی خلاصه حرف بزنیم باید بگوییم اکنون ایران در شرایطی است که گلویش محکم در اختیار دشمنانش قرار گرفته است و از سوی دیگر این دشمنان از ایران انتظار دارند هیچ تلاشی برای زنده ماندن و نفس کشیدن نکنند. حکایتی تکراری هم در این زمینه از سعدی نقل می‌کنند که اگر چه به کرات شنیده‌ایم ولی انصافاً حق مطلب را بخوبی ادا می‌کند. «حکایت

بستن سنگ و...». ایران اکنون در شرایط بسیار سختی است و محدودیت‌های زیادی را تحمل می‌کند که عمده‌ترین آنها محدودیت در فروش نفت، دسترسی به چرخه دلار، دسترسی به نظام مالی جهانی، محدودیت شدید در انتقال وجوه بین‌المللی و محدودیت دسترسی به فناوری‌های جدید است. در این شرایط چه انتظاری از ایران باید داشت. تسلیم شود یا به هر نحوه حیات خود ادامه دهد؟! در شرایطی که نهادهای رگولاتور جهانی که تعاریف و مفاهیم را شکل می‌دهند تحت تسلط قدرت‌های بزرگ قرار دارند، انتظاری جز در حاشیه و در معرض اتهام قرار گرفتن ایران وجود ندارد!

در این زمینه کسی که از این محدودیت‌ها سود می‌برد دشمن ایران است و شکی در این نیست. کسی که این محدودیت‌ها را تأیید و مبارزه با آنها را تخطئه می‌کند یا به نحوی سادملوح است یا خائن! ایران به دروغ از سوی حکومت‌های نوآمنمدی خزانه‌داری آمریکا در رصد تراکنش‌های بین بانکی دلاری است و هنگامی که تراکنش‌های بانکی از جنس اسکناس و فیزیکی باشند عملاً رصد کردن آنها برای آمریکایی‌ها ممکن نیست مگر از کانال شناسایی ذی‌نفعان در مبدأ. یعنی آنها نیازهای ایران و کسانی که توان مرتفع کردن آنها را دارند می‌شناسند و می‌توانند البته با هزینه بسیار زیاد، از محل رصد این تأمین‌کنندگان، راه‌های تأمین نیازهای ایران را ببینند. مسیر دوم، بسیار پر هزینه است اما مسیر اول کم‌هزینه و پر

ایران به علت محدودیت در دسترسی به چرخه دلار و وابستگی تجارت خارجی به این ارز به ناچار مجبور به دور زدن تحریم‌هاست و برای این منظور دسترسی به اسکناس دلار برای ما اهمیت زیادی خواهد داشت، چرا که عمده نوآمنمدی خزانه‌داری آمریکا در رصد تراکنش‌های بین بانکی دلاری است و هنگامی که تراکنش‌های بانکی از جنس اسکناس و فیزیکی باشند عملاً رصد کردن آنها برای آمریکایی‌ها ممکن نیست مگر از کانال شناسایی ذی‌نفعان در مبدأ. یعنی آنها نیازهای ایران و کسانی که توان مرتفع کردن آنها را دارند می‌شناسند و می‌توانند البته با هزینه بسیار زیاد، از محل رصد این تأمین‌کنندگان، راه‌های تأمین نیازهای ایران را ببینند. مسیر دوم، بسیار پر هزینه است اما مسیر اول کم‌هزینه و پر

ادامه در صفحه ۱۲

ادامه در صفحه ۱۲

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت امروز

کاسبی قدیمی دولت

■ صادق فرامرزی ■

۱- «کاسب تحریم» را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین گزاره‌های هجو در فضای سیاسی دهه ۹۰ ایران دانست، ده‌ها و صدها سال بعد اگر کسی قصد واکاوی و تفسیر وقایع دهه ۹۰ شمسی جامعه ایران را داشته باشد نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن این هجو سیاسی به تحلیلی صحیح از آنچه رخ داده است دست پیدا کند. چنانکه اگر کسی به تمام مباحث مطرح‌شده در فضای رقابتی سال‌های ۹۲ و ۹۶ رجوع کرده و پس از آن به مواضع سلبی و ایجابی هر دو طرف پیرامون توافقات انجام شده نگاهی بیندازد و متوجه آن نباشد که جامعه ایران در تمام این سال‌ها بیش از آنکه تحت تاثیر منطق سیاسی طرفین باشد، خود را در گیر بار هیجانی و روانی این واژه کرده بود، سردرگم و مستاصل می‌ماند که چه چیز باعث نادیده انگاشته شدن منطق روشن منتقدان نسبت به راه در پیش گرفته شده گردیده است. مورخان قطعاً از خود خواهند پرسید: چرا «تقریباً همه» آنچه منتقدان گفتند رخ داد و «تقریباً هیچ» کدام از وعده‌های متصور شده از جانب مسؤولان محقق نشد؟ آنها اگر به این نکته حیاتی که بار روانی برخی واژگان چگونه فضای عمومی را مصادره به مطلوب می‌کند و مانع پاسخگویی صحیح به سوالات و انتقادات وارد شده می‌شود توجه نکنند، هیچگاه نمی‌توانند به درک روشنی از چگونگی وارد آمدن هزینه‌های هنگفت به کشورمان نائل شوند.

۲- بی هیچ شک و شبهه‌ای می‌توان تلاش برای بدنام کردن منتقدان با نیت ناشنیده گرفتن انتقادات‌شان را از قدیمی‌ترین روش‌های سیاستمداران در طول تاریخ دانست و در این میان می‌توان دولت مستقر جناب روحانی را نیز رکوردار این روش ناصواب برای فرار از پاسخگویی و قطعی کردن فضا دانست. تقریباً در طول ۵ سال اخیر هیچ زمینه‌ای وجود نداشته است که منتقدان به آن ورود کنند و مسؤول دولتی مورد نظر سعی خود را بر مرتبط کردن نقد منتقد به منفعت شخصی وی نگذارد. خلق واژگانی همانند «کاسب تحریم» برای بدنام جلوه دادن منتقدانی که دولت قادر به پاسخگویی نقدهای صحیح‌شان نبود، «همنواپی با اسرائیل» تفسیر کردن هر گونه انتقاد با این استدلال که دلواپسان و اسرائیل تنها مخالفان برجام هستند یا حتی توهین‌های شخصی همچون «بزدل»، «ترسو»، «بی‌سواد» و... برای فاقد اعتبار دانستن گوینده‌های انتقاد به کام دولتمردان شیرین آمد و آنها در همه موارد تلاش خود را مصروف آن کردند تا پیش از تلاش برای پاسخگویی با حداقل تفکر نسبت به انتقادات کارشناسی، خود کارشناسان را بدنام کرده و از بدنامی آنها برای خود اعتبار کسب کنند.

۳- اگرچه برجام به‌عنوان یک توافق به پایان راه خود رسیده است اما برجام به مثابه یک منطق و زاویه دید، کماکان در فضای ذهنی و تصمیم‌گیری دولتمردان ادامه حیات می‌دهد و کماکان کنش‌های سیاسی دولتمردان بر مبنای همان منطق موجود در فضای برجام پیگیری می‌شود. مساله تعهدات اخیر کشورمان در قالب طرح‌های شفافیت مالی که بخشی از آن به تأیید مجلس شورای اسلامی رسیده و از سوی شورای نگهبان رد شده است را می‌توان ادامه فضای حاکم بر منطق سیاست خارجی دولت دانست که در ادامه پروژه شکست خورده برجام مطرح شده است. هر چند جهه‌بندی و فضای موقبلان و مخالفان این طرح نیز وضعیتی نسبتاً مشابه برجام را دارد و از همین جهت انتظار آن بود که این بار پس از لمس تحقق تدریجی و مرحله به مرحله احتمالات منتقدان شاهد عبرت‌آموزی دولتمردان و در راس آنها وزیر امور خارجه از برخورد غلط و فرارهای صورت گرفته از انتقادات پیشین باشیم اما مصاحبه اخیر ظریف گویای در پیش گرفتن رویه‌ای مشابه و حتی بدتر از رویه حاکم بر برخورد با منتقدان برجام بود. نسبت دادن وجود منافع شخصی مخالفان لوابح شفافیت مالی با این لوابح و جنگ روانی دانستن موج انتقادات بی‌پاسخ منتقدان نشانه‌ای از تکرار رویکرد بدنام کردن منتقد به‌جای پاسخگو بودن به انتقاد بود که خود را به‌وضوح نمایانگر کرد.

۴- آنچه وزیر امور خارجه پیش از هر چیز باید پاسخگوی آن باشد نسبت‌میان مصاحبه‌های اخیرش با منافع ملی کشورمان است. برآستی در شرایطی که خود ایشان عمده‌ترین دلیل‌شان در دفاع از این لوابح خالی کردن دست آمریکا از بهانه‌تراشی برای محکومیت ایران آن بوده است، چگونه متوجه آن نشده است که ...

ادامه در صفحه ۱۲